

فصل اوّل

فرهنگ جهانی



در سفر گاهی عجله می‌کنیم و از زیبایی‌ها و ظرافت‌های راه غافل می‌شویم؛ گاهی چنان سرگرم پیچ و خم‌های راه می‌شویم که از مقصد می‌مانیم. در فرایند یاددهی - یادگیری نیز گاهی موضوع آن قدر کلی، مختصر و کوتاه می‌شود که از آن سردر نمی‌آوریم؛ در مقابل گاهی جزئیات موضوع آن قدر مفصل و طولانی می‌شود که با سرگرم شدن به آنها از مطالب اصلی باز می‌مانیم. اگر می‌خواهیم چنین نشود باید همواره جزئیات و کلیات موضوع را در ارتباط با هم ببینیم. موضوع کتاب حاضر، نظام جهانی یا زندگی اجتماعی در سطح جهان است. فصل اوّل، تصویری کلی از موضوع ارائه می‌کند و در فصل‌های بعد، با جزئیات آن بیشتر آشنا می‌شوید. با ما همراه شوید.

● اهداف فصل اول

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. چگونگی تمایز و تعامل جهان‌های تکوینی، ذهنی و فرهنگی را تشریح کند؛ به نقش خود در اثرگذاری بر جامعه، فرهنگ، طبیعت و ماوراءطبیعت و همچنین اثرپذیری از آنها آگاهی یابد و همواره برای اصلاح و بهبود روابط خود با این عرصه‌ها تلاش نماید.

۲. به تصویر دقیقی از مفهوم فرهنگ جهانی دست یابد؛ بداند که همه فرهنگ‌ها ظرفیت و ادعای جهانی‌شدن ندارند و برای فرهنگ‌هایی که از ظرفیت لازم برخوردار نیستند ولی با اعمال سلطه از مرزهای قومی و گروهی خود فراتر می‌روند و جهان را عرصه برخوردها و تقابل‌های ویرانگر می‌سازند، نمونه بیاورد.

۳. فرهنگ جهانی مطلوب یا عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول فرهنگی را بشناسد و بر مبنای آن، توان نقد و ارزیابی فرهنگ سلطه را به دست آورد؛ نسبت به گسترش فرهنگ سلطه در جهان حساسیت کافی پیدا کند؛ مقاومت در برابر اشکال گوناگون فرهنگ سلطه را وظیفه خود بداند و درباره راه‌های مقابله با آن تحقیق و بررسی کند.

۴. به ظرفیت دین اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی مطلوب پی ببرد و به شکوفایی این ظرفیت علاقه‌مند گردد؛ مراحل تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های اسلام را بشناسد؛ فرصت‌ها و محدودیت‌های هر مرحله را تحلیل کند و در حد توان خود برای رفع موانع پیش روی گسترش فرهنگ اسلامی راهکار ارائه نماید.



کشتی باچوخه در اسفراین

جهان فرهنگی

درس اول

در سال گذشته مطالبی دربارهٔ جهان اجتماعی و طبیعی، فرهنگ، هویت افراد و جهان اجتماعی آموختید. به چهار گروه تقسیم شوید و در هر گروه، با توجه به آنچه خوانده‌اید، یکی از پرسش‌های زیر را بررسی کنید. برای هر گروه یک دبیر جلسه و یک نماینده انتخاب کنید. دبیر جلسه خلاصهٔ گفت و گوهای اعضای گروه را ثبت می‌کند. نمایندهٔ هر گروه دست‌نوشته‌های دبیر جلسه را در کلاس می‌خواند.

- تفاوت جهان اجتماعی و جهان طبیعی چیست؟
- سال گذشته فرهنگ را چگونه تعریف کردید؟
- فرهنگ چه نقشی در هویت‌یابی افراد و جهان اجتماعی دارد؟
- هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر می‌گیرد یا لایه‌های سطحی آن (هنجارها و نمادها)؟ چرا؟
- نمایندگان گروه‌ها، گروه تلفیق را شکل دهند. اعضای گروه تلفیق دربارهٔ ارتباط مباحث گروه‌ها گفت و گو کنند، نتیجه و چکیدهٔ بحث‌شان را ارائه دهند و با راهنمایی دبیر آن را بازبینی کنند.
- هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌های بنیادی کدام‌اند؟ چه پاسخی به این پرسش‌ها داده می‌شود؟ این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابه **روح** یا **شالودهٔ** آن فرهنگ عمل می‌کنند.
- پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

- هستی‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟
- انسان‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟

● معرفت شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟ پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد. آیا می‌دانید منظور از جهان فرهنگی چیست؟

جهان انسانی

وقتی به اطراف خود نگاه می‌کنیم، با پدیده‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم که این پدیده‌ها در مجموعه‌های بزرگ و مهمی دسته‌بندی می‌شوند. این مجموعه‌ها را به دلیل گستردگی و اهمیت‌شان «جهان» می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است. جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید به این جهان تعلق دارد. آیا می‌توانید برخی از پدیده‌هایی را که به جهان انسانی تعلق دارند نام ببرید؟

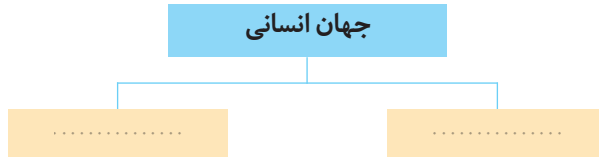
جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود؛ بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها باز می‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلقیات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آنها شریک نیستند.



■ بخش فردی جهان انسانی؛ سه فرد در یک مسابقه، موضوعی واحد را به سه شکل مختلف خلق می‌کنند.

بخش اجتماعی آن، زندگی اجتماعی انسان‌ها را دربر می‌گیرد. قبلاً آموخته‌اید که این بخش هویت فرهنگی دارد. فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست. از این رو، بخش فردی جهان انسانی را جهان ذهنی و بخش اجتماعی آن را جهان فرهنگی نیز می‌نامند.

نمودار زیر را کامل کنید.



وقتی فردی دربارهٔ موضوعی خاص می‌اندیشد، در محدودهٔ فردی و ذهنی خود قرار دارد، ولی هنگامی که اندیشه‌اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازهٔ بروز می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.



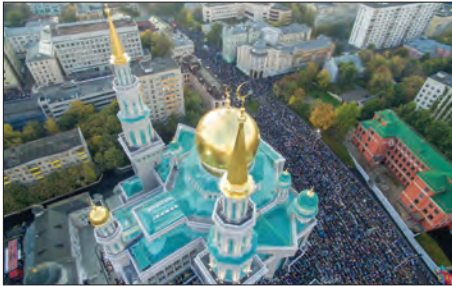
■ وقتی فردی کتابی می‌نویسد یا مجسمه‌ای می‌سازد یا به دیگری مهر می‌ورزد، از جهان فردی به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ راه‌های ورود یک اندیشهٔ فردی به حوزهٔ فرهنگ گفت‌وگو کنید.

جهان تکوینی

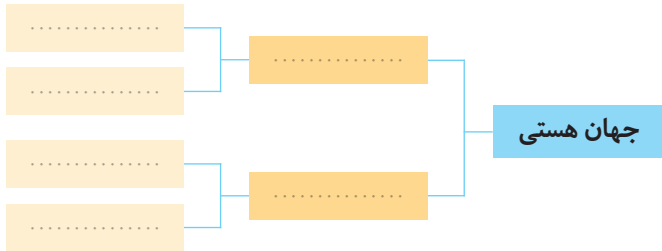
می‌دانیم که تمامی پدیده‌های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند. آیا می‌توانید برخی از این پدیده‌ها را نام ببرید؟ در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد. این جهان، پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است. جهان تکوینی شامل چه بخش‌هایی است؟



■ جهان هستی و بخش‌های مختلف آن

برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند. آنها طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند. جهان انسانی را به دو جهان ذهنی و فرهنگی تقسیم می‌کنند و به این ترتیب از وجود سه جهان سخن می‌گویند. جهان طبیعت، جهان ذهن و جهان فرهنگ. متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند. از نظر آنان، جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است و جهان تکوینی را هم به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

با توجه به جهان‌هایی که تاکنون از آنها سخن گفته‌ایم، نمودار زیر را کامل کنید.

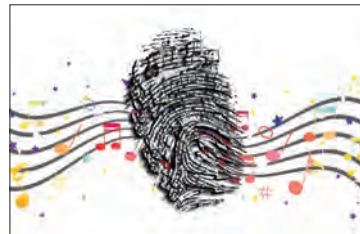


تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند. قبلاً از تعامل جهان ذهنی و جهان فرهنگی سخن گفتیم. بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است. دربارهٔ جهان‌های مختلف و رابطهٔ آنها با هم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیا می‌توانید برخی از این دیدگاه‌ها را حدس بزنید؟



■ باغ گلشن طبس؛ باغ‌سازی ایرانی ارتباطی نزدیک با باورهای مذهبی و اعتقادات سازندگان آنها داشته است. باغ تمثیلی است از بهشت جاویدان و برگرفته از آیات قرآن درباره بهشت.



■ هنرمند عضوی از یک فرهنگ است و آثارش مطابق با نوع فرهنگی است که با آن مناسباتی دارد. هنر را می‌توان بیان ژرف‌ترین فردیت هنرمند دانست، اما این فردیت مجرد از اجتماع نیست.

دیدگاه اول: براساس این دیدگاه جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آنها نظیر علوم طبیعی است. طرفداران این دیدگاه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند. در این باره، در آینده بیشتر خواهید آموخت.

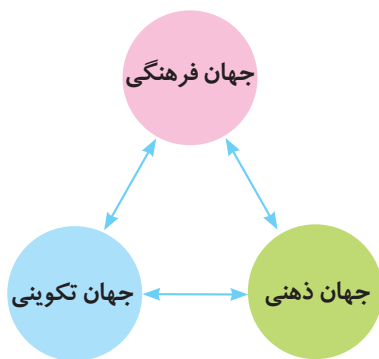


دیدگاه دوم: گروهی دیگر جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند. در این دیدگاه جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آنهاست و جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند. از این دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.



دیدگاه سوم: براساس این دیدگاه، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند.

شما کدام یک از دیدگاه‌ها را درست می‌دانید؟ فکر می‌کنید کدام یک فرصت تعامل صحیح



انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می‌کند؟ از نگاه قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست. ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود و جهان تکوینی بر اساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد. قرآن کریم برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امت‌ها سخن می‌گوید. در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

بخوانیم و بدانیم

– از منظر قرآن، هرگاه انسان، اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگ توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی آنها می‌گشاید و هرگاه افراد و فرهنگ جامعه هویتی مشرکانه داشته باشند، زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنها سر باز می‌زنند و ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می‌کنند.

– برخی دیدگاه‌ها، بر شناخت درستی از انسان و جهان هستی استوار نیستند. اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را بی‌پروا و شکوفا کند. قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، «اغال و سلاسل» می‌نامد. اغال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.

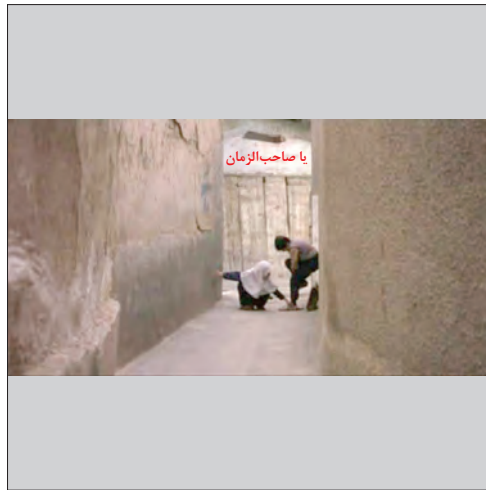
— وضعیت امروزی محیط زیست، نتیجه چه باورهایی درباره انسان و طبیعت است؟
— برخی آیات قرآن کریم، مانند آیه ۴۱ سوره روم، آیه ۹۶ سوره اعراف و آیه ۲۷۶ سوره بقره از تعامل فعال جهان تکوینی با جهان فرهنگی سخن می گویند. نمونه‌های این تعامل را در این آیات بیابید.

بینیم و بدانیم

فیلم سینمایی «بچه‌های آسمان» روایت خواهر و برادری است با خانواده‌ای فقیر و در عین حال شرافتمند که باورهای عمیق مذهبی دارند. انتخاب نام علی و زهرا برای دو پسرمان اصلی داستان، انتخاب نام بچه‌های آسمان برای فیلم، نمایش فقری زیبا و با عظمت و... جلوه‌هایی از نگاه دینی سازنده فیلم است.
این فیلم را ببینید و مصادیق نگاه دینی سازنده فیلم را در آن بیابید و درباره آن گفت‌وگو کنید.



■ سکانس باشکوه فیلم که به فرمان خدا، اجتماع ماهی‌ها به نشانه سپاس از آن همه تلاش مردانه پسر، برپای تاول زده او بوسه می‌زنند.
این سکانس یکی از معنوی‌ترین سکانس‌های تاریخ سینمای ایران است.



■ علی و زهرا در کوچه‌ای که بر سر در آن نوشته شده، «یا صاحب الزمان» کفش‌های خود را تعویض می‌کنند. آنها هر دو صاحب یک جفت کفش هستند.

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

جهان فرهنگی

خلاصه کنید

مطالب مهم درس را در قالب جمله بنویسید.^۱ در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می کنید یا ارتباط آنها را نشان می دهید.

– بخش اجتماعی جهان انسانی هویتی فرهنگی دارد و از آن با عنوان جهان فرهنگی یاد می شود.

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می توانید جمله هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته هایتان را بخوانید؛ با راهنمایی دبیرتان، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید.



درس دوم فرهنگ جهانی

فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند و در زمانی واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. عمر برخی از فرهنگ‌ها کوتاه و برخی دیگر طولانی است. برخی در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. نه تنها فرهنگ‌ها بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز این گونه‌اند: برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این گونه نیستند.

در سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ چه فرهنگ‌هایی شکل گرفته‌اند؟ چه عناصری از این فرهنگ‌ها باقی مانده است؟

فرهنگ نمونه	تداوم تاریخی بالا	گستره جغرافیایی وسیع
زاین	✓	—
اینکاها	—	—
اسلام	✓	✓
مسیحیت	✓	✓
.....
.....



■ فرش بازریک، اثر ایرانی دوره هخامنشی

■ «تومان» واژه‌ای مغولی است به معنای ده هزار. در تقسیمات کشوری به ده هزار سرباز «تومان» و به فرمانده آن «امیر تومان» می‌گفتند. «ریال» از کلمه اسپانیایی و پرتغالی real به معنای شاهی و سلطنتی وارد فارسی شد.

چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

آموختید که فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آنها برمی‌گردد. یعنی روح و شالوده فرهنگ‌ها متنوع است. فرهنگ‌ها از نظر گستره جغرافیایی و تداوم تاریخی نیز متنوع‌اند. این آموخته‌ها، زمینه‌ای برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی چیست؟ چرا برخی از فرهنگ‌ها جهانی می‌شوند؟

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد فرهنگ جهانی است.

فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدوده قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند؛ مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.



■ برخی فرهنگ‌ها ظرفیت جهانی شدن ندارند.

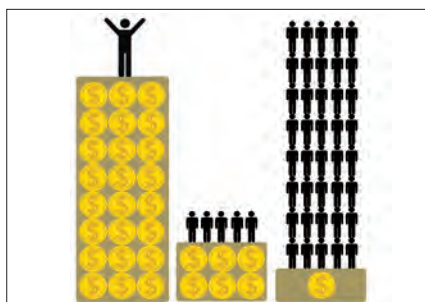
در طول تاریخ، فرهنگ‌هایی وجود داشته‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به‌سوی جهانی‌شدن گام برداشته‌اند. این فرهنگ‌ها دوگونه‌اند:

گونه نخست: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا

گروه خاصی است ولی نگاهی سلطه جویانه دارد. چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقه مرکزی و منطقه پیرامونی تقسیم می کند. منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می گیرد.

فرهنگ صهیونیسم و فرهنگ سرمایه داری دو نمونه از این گونه اند.

آیا می دانید صهیونیسم چه آرمان ها و ارزش هایی دارد؟ آرمان ها و ارزش های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را در خدمت به آن نژاد به کار می گیرد.



■ دیوار حائل بتونی در کرانه باختری و نقاشی هایی که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

در مورد فرهنگ سرمایه داری چه می دانید؟ سرمایه داری کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می گیرد.

فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه ها را به ضعف و ناتوانی می کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است.

گونه دوم: فرهنگی است که عقاید، ارزش ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست بلکه سعادت همه انسان ها را دنبال می کند و از عقاید و آرمان های مشترک انسانی سخن می گوید.

گفت و گو کنید

فرهنگی که عقاید، ارزش ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد همان فرهنگ حق است. فارابی جامعه ای را که عقاید و ارزش های آن حق باشد اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می نامد. درباره نمونه های تاریخی فرهنگ هایی که در آنها عقاید و ارزش ها با هنجارها و رفتارهایشان سازگار نیست، گفت و گو کنید.

پیامد	نمونه‌ها	انواع فرهنگ‌ها براساس قابلیت جهانی شدن
.....	دارای ارزش‌های عام و جهان شمول
.....	دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای با نگاه سلطه‌جویانه
.....	دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای بدون نگاه سلطه‌جویانه

فرهنگ جهانی مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

«هرکس، فردی را بی آنکه مرتکب قتل یا فساد در زمین شده باشد بکشد، چنان است که گویی همهٔ انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همهٔ مردم را زنده کرده است.» (مأئده: ۳۲)

تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد
(صائب تبریزی)

هم‌زبانی خویشی و پیوندی است
ای بسا هندو و ترک هم‌زبان
پس زبان محرمی خود دیگرست
غیرنطق و غیر ایما و سجل
مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
همدلی از هم‌زبانی بهترست
صد هزاران ترجمان خیزد زدل
(مولوی)

نه افغانیم و نی ترک و تتاریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
چمن زادیم و از یک شاخساریم
که ما پروردهٔ یک نوبهاریم
(اقبال لاهوری)

به نظر شما وجه اشتراک مطالب بالا چیست؟ عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آنها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود. آیا می‌توانید به برخی از ارزش‌های عام و جهان‌شمول اشاره کنید؟

● تصور کنید ما انسان‌ها برای تشخیص صحیح یا غلط بودن اندیشه‌ها، افکار و اعمال هیچ‌گونه میزان و معیاری نداشتیم در آن صورت، چه وضعیتی پیدا می‌کردیم؟ در چه صورت یک فرهنگ از چنین معیارهایی محروم می‌شود؟ فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه، نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

● آدمی درباره مرگ و زندگی خود پرسش‌های بنیادینی دارد که باید به آنها پاسخ داده شود. او علاوه بر نیازهای مادی و دنیوی، نیازهایی ابدی و معنوی دارد. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از معنویت که ارزشی جهان‌شمول است، برخوردار باشد.



● در چه صورت می‌توان از قطبی شدن جهان، بهره‌کشی ظالمانه برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر و در نتیجه، پامال شدن حقوق انسان‌ها جلوگیری کرد؟ چگونه می‌توان از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر پیشگیری کرد؟ چاره این امر، ارزش جهان‌شمول عدالت است. فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به این ارزش معتقد و پایبند باشد.

«آسمان‌ها و زمین با عدالت پابرجا می‌مانند.» (پیامبر اکرم ﷺ)

● برخی قید و بندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند و زمینه ظلم بر او را فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی باید آزادی انسان از این قید و بندها را تأمین کند. آزادی همواره دو پرسش به‌همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است. به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می‌شود، معنای آزادی مشخص می‌گردد.

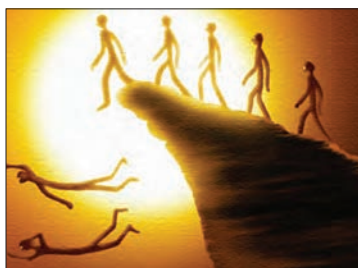
● برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند. آنها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار

می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند، آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

فرهنگ جهانی باید روحیه **تعهد و مسئولیت** را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.



■ در طالع‌بینی، خصوصیات خلقی و رفتاری افراد تحت تأثیر موقعیت اجرام آسمانی و زمان تولد آنها تصور می‌شود.



■ در فرهنگ‌های جبرگرا، انسان نمی‌تواند آینده‌اش را براساس اراده و عمل خود بسازد و محکوم به سرنوشتی محتوم است.

● فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد؛

- ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

- انسان علاوه بر پرسش‌های بنیادین، در شرایط تاریخی مختلف با پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی مواجه می‌شود. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر و پرسش‌های متغیر را داشته باشد و براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.^۱



■ یکی از پاسخ‌های امروز بشر به رشد جمعیت کره زمین و کمبود منابع، تولید محصولات تراریخته است. اصلاح ژنتیکی شاید مزایای بالقوه فراوانی داشته باشد، اما بیم و خطرهای نهفته در آن غیرقابل پیش‌بینی و محاسبه‌ناپذیر است.



■ پیرشدن جمعیت، مسئله امروز بشر است و جوامع برای پاسخ‌گویی به آن چاره‌اندیشی می‌کنند.



■ پیدایش عرفان‌های دروغین، نوعی پاسخ‌گویی کاذب به نیازهای معنوی انسان است.

۱- مثلاً معنای زندگی و مرگ پرسش همیشگی بشر است ولی بحران زیست‌محیطی درحالی که مسئله دیروز او نبوده، مسئله امروز اوست و چه‌بسا فردای تاریخ مسئله او نباشد یا صورت دیگری پیدا کند.

آیا تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌هاست؟ قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آنها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزه شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد. «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» (حجرات: ۱۳)

مراسم حج نمونه بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم، انسان‌ها – از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت – در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار یکدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.

گفت‌وگو کنید

پیش از این، درباره تناسب زندگی فردی با زندگی فرهنگی سخن گفتیم. اگر فرهنگ جهانی ویژگی‌های جهان‌شمول گفته شده را داشته باشد، انسان‌هایی که در چنین فرهنگی پرورش می‌یابند چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟ چه انسان‌هایی و با چه ویژگی‌هایی می‌توانند چنین فرهنگی را پدید آورند؟

با هم تکمیل کنید

ویژگی‌های فرهنگ مطلوب جهانی	توضیحات
.....
.....
.....
.....
.....
عقلانیت	- پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر - پاسخ به پرسش‌های متغیر بشر

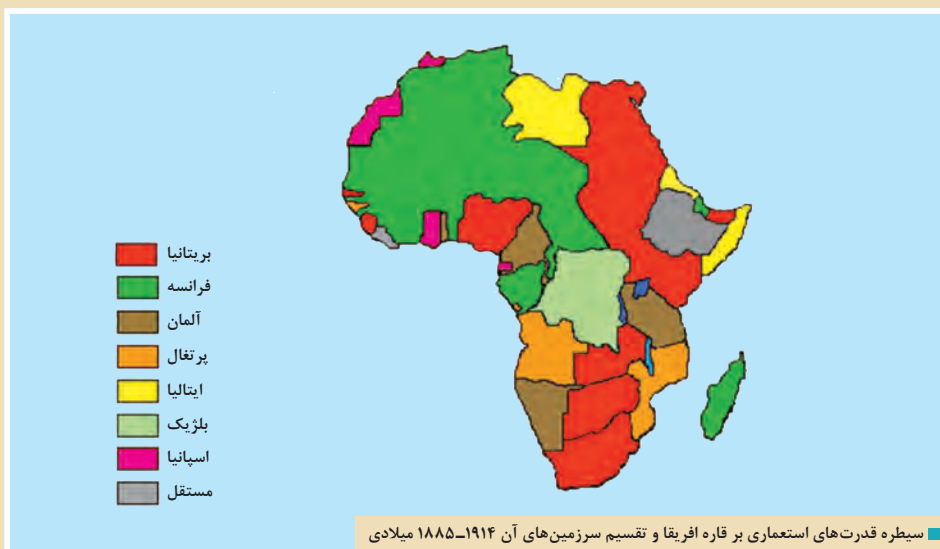
مفاهیم اساسی

فرهنگ جهانی

خلاصه کنید

—فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می کند
و در پهنه جهان گسترش می یابد، فرهنگ جهانی است.

آنچه از این درس آموختیم



درس سوم نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱

ابونصر محمد فارابی (۳۳۰ - ۲۶۰ ه.ش) در گونه‌شناسی جوامع، یکی از انواع جوامع جاهلی را جامعه «تغلب» می‌نامد. او در تعریف این نوع جامعه می‌نویسد: در جامعه تغلب، مردم برای غلبه یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند و این هنگامی پیش می‌آید که همه آنها، شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر باشند. هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. آنها نمی‌خواهند ملت مقهور، مالک جان و مال خود و... باشد. چنین افرادی دوست دارند بر یکایک مردم جامعه خود نیز چیره شوند ولی از آنجا که در یک جامعه مردم برای بقای خود، غلبه بر اقوام دیگر و جلوگیری از غلبه اقوام دیگر بر خود به هم نیازمندند، ناچارند از چیرگی بر یکدیگر خودداری کنند. چنین مردمی گمان می‌برند که فقط آنان خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند (و باید باشند) و از همه جوامع دیگر برترند. آنها مردم جوامع دیگر را خوار و بی‌ارزش می‌شمرند. این گونه اندیشه‌ها در آنان حس خودخواهی را تقویت می‌کند. پس، همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کنند. گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به دست آورده‌اند، برسند و اصولاً چنین سعادتی را نمی‌شناسند.

آیا فارابی با این توضیحات، آرمان و ارزش اجتماعی برتر جامعه تغلب را به شما معرفی کرده است؟ آیا چنین فرهنگی در محدوده مرزهای جغرافیایی و قومی خود باقی می‌ماند؟ اگر چنین فرهنگی در راه جهانی شدن قدم بگذارد، چه آثار و نتایجی در پی دارد؟

جهان‌گشایی و امپراتوری

در طول تاریخ فرهنگ‌هایی از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند. برخی از آنها فرهنگ سلطه و استکبار بوده‌اند. عملکرد فرهنگ سلطه در گذر تاریخ چگونه بوده است؟ نمونه‌های مختلف این فرهنگ کدام‌اند؟

برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند. در گذشته تاریخ، فرهنگ سلطه و استکبار، امپراتوری‌های بزرگی به وجود آورده است. امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد.

جهان‌گشایی و امپراتوری اغلب با کشتار و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه بوده است. اسکندر تخت جمشید را به آتش کشید. مغولان برخی شهرها را از دم تیغ گذراندند و حیوانات آنها را نیز نابود کردند.

بخوانیم و بدانیم

در نتیجه تهاجم مغول، شهری که چشم و چراغ تمام ماوراءالنهر و مکان اجتماع فضلا و دانشمندان بود، آن چنان ویران گردید که فراریان معدود این شهر جز جامه‌ای که بر تن داشتند چیزی دیگر نتوانستند با خود برند. یکی از اهالی بخارا که پس از آن واقعه جان سالم به در برده و به خراسان گریخته بود؛ چون حال بخارا را از او پرسیدند؛ جواب داد: «آمدند و کُندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند».

جماعت زیرکان که این تقریر شنیدند، اتفاق کردند که در پارسی موجز تر از این سخن نتواند بود.

(تاریخ جهانگشای جویی)

آیا غلبه نظامی همواره با غلبه فرهنگی همراه است؟ در تاریخ اقوامی بوده‌اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده‌اند. غلبه نظامی گرچه به حضور مستقیم مهاجمان در مناطق جغرافیایی مورد تهاجم منجر می‌شود، همواره گسترش فرهنگی آنها را به دنبال نمی‌آورد.



■ بنا و سنگ‌نوشته‌ای به خط یونانی به‌جا مانده از سلوکیان، حضور نظامی سلوکیان در ایران منجر به بسط فرهنگی آنان نشد.

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند با ضعف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به‌دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به خدمت گیرد. ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی‌شان داشتند اما جهان‌گشایی‌ها به جهانی شدن فرهنگ آنان منجر نشد.

مغولان نیز با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند ولی فرهنگ آنها، قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی‌های جهانی شدن را نداشت. آنان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار می‌گرفتند که به لحاظ نظامی از آنان شکست خورده بودند. این‌گونه بود که امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های اقوام مغلوب، هویتی چینی، هندی و ایرانی پیدا کرد و به صورت سه حکومت مستقل درآمد.



■ غازان‌خان در حال قرائت قرآن، او هفتمین ایلخان از سلسله ایلخانیان ایران بود که به اسلام روی آورد و اسلام را دین رسمی اعلام کرد.

■ به دستور غازان‌خان شهادتین (لا اله الا الله، محمد رسول الله) بر دو سوی سکه‌ها ضرب شد.



■ تصاویر مسجدالاقصی و قبة الصخره در حاشیه دامن وزیر فرهنگ و ورزش رژیم اشغالگر صهیونیستی در جشنواره سینمایی کن. با هدف تأکید بر این ادعا که بیت المقدس، پایتخت تاریخی و همیشگی اسرائیل به شمار می رود.



■ مسجد جامع النوری و منارة الحذاء، نماد شهر موصل با سابقه تاریخی ۸۰۰ ساله که توسط داعش منهدم شد.

تحلیل کنید

به نظر شما فرهنگ سلطه به دنبال چه نوع تأثیرات فرهنگی بر جوامع مغلوب است؟ چرا؟

امپریالیسم و استعمار

اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده است. از سلطه غرب با نام هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد کرده اند. درباره این دو واژه چه می دانید؟



■ استفاده یک آمریکایی از کودک آفریقایی به جای صندلی

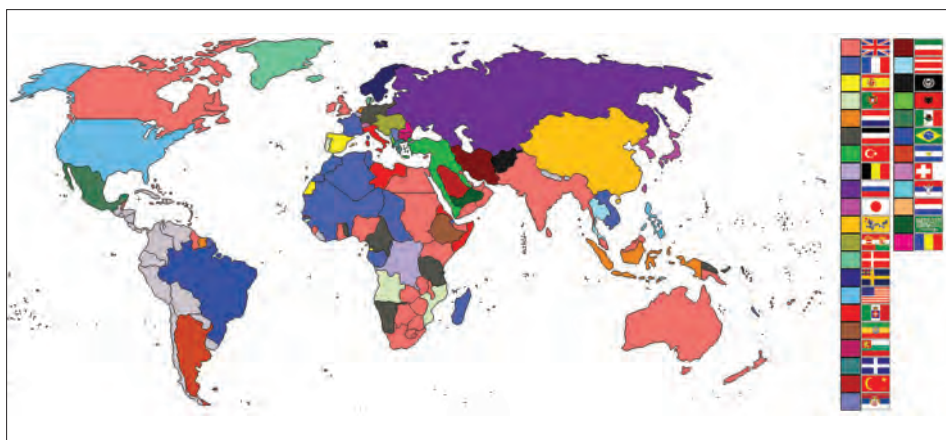


■ سربازان آفریقایی ارتش مستعمراتی فرانسه در آفریقا

واژه امپریالیسم از امپراتوری گرفته شده است و به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود. امپریالیسم چه اشکال و انواعی دارد؟

امپریالیسم سیاسی با اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد. در امپریالیسم اقتصادی، قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.

در امپریالیسم فرهنگی، مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است، از بین می‌رود و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعه مسلط را نیز می‌پذیرد. استعمار به معنای اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی است. کشور فاتح را دولت استعماری و کشور به بند کشیده شده را مستعمره می‌نامند. استعمار نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در این مدت، تصرفات اروپاییان از ۳۵ درصد کره زمین به ۶۷ درصد رسید.



■ نقشه مستعمرات در جهان، ۱۹۱۴

موفقیت‌های استعمار در این دوران ناشی از پیشرفت در زمینه‌های دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود. استعمار اروپایی در سده هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.

اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا، برای تأمین سلطه خود، به نسل‌کشی دست زدند و شمار زیادی از ساکنان بومی را از بین بردند. آنها در یک دوره پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.



■ بنای یادبود تجارت برده و تندیس‌های به کار رفته در آن در امتداد جادهٔ بردگان در غرب کشور بنین در قارهٔ آفریقا؛ این بنا یادآور آفریقایی‌هایی است که در قرون ۱۶ تا ۱۹ میلادی ربوده و به غرب فروخته شدند.

ببینیم و بدانیم

مستند «انگلیسی‌ها و تجارت برده» به بررسی تاریخ سیاه تجارت برده در انگلستان می‌پردازد. با تماشای این مستند به آثار و پیامدهای بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ، در اروپا و آفریقا پی می‌برید.

سلطهٔ جهان غرب بر کشورهای دیگر به سلطهٔ نظامی محدود نشد بلکه به مرور، اشکال جدیدی از آن پدیدار شد.

استعمار نو پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانهٔ کشورهای مستعمره، طی قرن بیستم به‌وجود آمد. در استعمار نو، کشورهای استعمارگر با استفاده از شرایط مساعدی که در دورهٔ استعمار ایجاد کرده‌اند، از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره، برای رسیدن به اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

دولت‌های استعمارگر برای به‌قدرت رساندن نیروهای وابسته به خود، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند. کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و همچنین کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی دو نمونهٔ موفق از کودتاهای استعمار نو به‌شمار می‌روند و کودتای آمریکایی - انگلیسی نوژه^۱، که به قصد ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران طراحی شده بود، نمونهٔ شکست خوردهٔ این‌گونه کودتاهاست.



■ تبلیغات شرکت‌های تجاری در هند و نیجریه

۱- این توطئه در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ با همکاری عوامل داخلی و خارجی دشمن به قصد ضربه نهایی و قطعی به انقلاب اسلامی ایران طراحی شد. از آنجا که قرار بود این کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود، پس از کشف و خنثی شدن به همین نام شهرت یافت.

در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود، با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

در استعمار فرانوا، استعمارگران بیش از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی از ابزارهای فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات استفاده می‌کنند.



■ زبان فارسی پیش از آنکه هندوستان مستعمره انگلستان شود، دومین زبان رسمی و زبان فرهنگی و علمی این کشور بود. در سال ۱۸۳۶م، انگلیسی‌ها، زبان انگلیسی را زبان رسمی هند کردند. ■ استفاده از ابزار رسانه‌ای در قالب بازی‌های رایانه‌ای؛ بازی رایانه‌ای که در آن حمله به ایران و مناطقی از تهران شبیه‌سازی شده است.

در استعمار قدیم، استعمارگران حضور مستقیم و آشکار داشتند اما در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند. در استعمار فرانوا، استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند.

جهان غرب در استعمار فرانوا، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد؛ یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد و باورها و ارزش‌های فرهنگی خود را تبلیغ و ترویج می‌کند.

مردمی که برتری فرهنگی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه جهان غرب جست‌وجو می‌کنند و به مسیری می‌روند که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند.

گفت‌وگو کنید

مفاهیمی چون تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی به کدام یک از مراحل استعمار مرتبط‌اند؟ به نظر شما کشور ما برای مقابله با این شکل از استعمار چه ظرفیت‌هایی دارد؟

با هم تکمیل کنید

.....	ابزارها	انواع استعمار
.....
استعمارگران پنهان و مجریان آشکار
.....

مفاهیم اساسی

فرهنگ سلطه

خلاصه کنید

—امپریالیسم به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود و می‌تواند صورت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشد.

آنچه از این درس آموختیم



درس چهارم نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲

دین اسلام با دعوت فراگیر خود، ایجاد یک فرهنگ جهانی را مورد توجه قرار داده است. اسلام، دین یک عصر و نسل خاص نیست. اصول اعتقادی و ارزش‌های آن، اصول و ارزش‌های ثابتی است که همه انبیا در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آنها مبعوث شده‌اند. این اصول و ارزش‌ها مطابق با نظام آفرینش و موافق با فطرت آدمیان‌اند بنابراین به قوم و گروه خاصی تعلق ندارند بلکه جهان‌شمول هستند.

توحید، از خداوند واحدی حکایت دارد که خدای قوم و قبیله خاصی نیست بلکه خداوند همه آدمیان و پروردگار همه جهان‌هاست. همه موجودات از او پدید آمده‌اند و به سوی او باز می‌گردند. او عالم را حکیمانه آفریده است و تدبیر می‌کند.

انسان از دیدگاه اسلام، موجودی مختار، مسئول، متعهد، دارای فطرتی الهی و خلیفه خداوند در زمین است. سعادت و عزت انسان در نزدیک شدن به خداوند و رسیدن به مقام خلافت الهی است و شقاوت و ذلت او در فراموشی حقیقت الهی خود و دیگر موجودات و به کارگیری تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های الهی خویش، برای زندگی محدود این جهان است. انسان مسئول آباد کردن این جهان و موظف به پرهیز از فساد در آن است.

عقل در فرهنگ اسلام، زیباترین و محبوب‌ترین مخلوق خداوند است. پیامبران برای شکوفایی عقل آدمیان، اجرای عدالت، جلوگیری از چرخش ثروت در دست اغنیا و آزادسازی مستضعفان از حاکمیت مستکبران مبعوث شده‌اند. آنان برای رهایی آدمیان از زنجیرهایی آمده‌اند که انسان‌ها را به بندگی انسان‌های دیگر و بت‌های انسان ساخته، وادار می‌سازند. اسلام، مسلمانان را موظف به تلاش برای آزادی مستضعفان می‌داند و پیروزی مستضعفان بر مستکبران و حاکمیت دین حق را به بشریت نوید می‌دهد. بر این اساس، توانمندی‌های اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی مطلوب چیست؟

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی

عقاید و ارزش‌های اسلامی چگونه وارد فرهنگ بشری شدند؟ آیا می‌دانید فرهنگ اسلامی در تاریخ گسترش خود چه دوره‌هایی را پشت سر گذاشته است؟

عقاید و ارزش‌ها با پذیرش انسان‌ها به عرصه فرهنگ بشری راه می‌یابند و جلوه و نمود تاریخی پیدا می‌کنند. عقاید و ارزش‌های اسلامی در تاریخ گسترش خود مراحل مختلفی را پیموده‌اند.



■ مسجد النبی در مدینه

عصر نبوی: قبل از ظهور اسلام شبه جزیره عربستان، فرهنگ جاهلی قبیله‌ای داشت. شمال غربی شبه جزیره، تحت نفوذ و سلطه امپراتوری روم و جنوب شرقی آن تحت تأثیر و سلطه شاهنشاهی ایران بود. در چنین شرایطی، خداوند سبحان، پیامبر خود را با آیات روشنگر برای تبلیغ توحید و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه بشری برانگیخت.

رسول خدا ﷺ پس از سیزده سال دعوت مردم به اسلام و مقاومت در برابر فشار نظام قبیله‌ای عرب جاهلی، حکومت اسلامی را تشکیل داد و طی ده سال حکومت، موانع سیاسی پیش روی اسلام در شبه جزیره عربستان را از بین برد. در سال نهم هجرت، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام از سراسر شبه جزیره به مدینه آمدند. پیامبر خدا ﷺ پیش از رحلت نامه‌های دعوت به دین خدا را به امپراتوری‌های ایران و روم فرستاده بود.

دوران خلافت: این دوران از زمان رحلت رسول خدا ﷺ آغاز شد و در طول خلافت اموی، عباسی و عثمانی ادامه یافت.

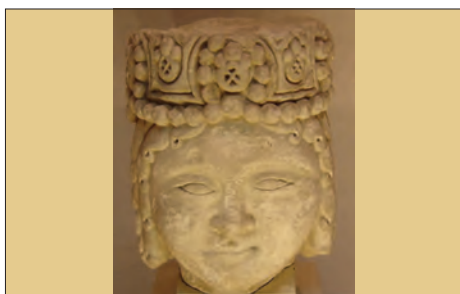


■ مسجد اموی در دمشق



■ مسجد جامع سامرا از مساجد مشهور دوره عباسیان

فرهنگ جاهلی در عصر نبوی تا فتح مکه، در برابر اسلام آشکارا مقاومت کرده بود و از آن پس، به ناچار ظاهر اسلامی به خود گرفته بود. در دوران خلافت، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و به تدریج قدرت در جامعه اسلامی را براساس روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای شکل داد. اما عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام، فارغ از عملکرد قدرت‌های سیاسی و با تلاش و کوشش عالمان مسلمان، از مرزهای جغرافیایی و سیاسی جوامع مختلف عبور کرد و بر قدرت‌های سیاسی که در این مناطق حضور داشتند، تأثیر گذاشت. فرهنگ اسلامی، به دلیل قدرت و غنای خود، گروه‌های مهاجم بیگانه را نیز درون خود هضم و جذب می‌کرد یا دست کم آنان را ناگزیر می‌ساخت که برای بقای خود، در ظاهر از مفاهیم و ارزش‌های دینی استفاده کنند.



■ سردیس شاهزاده سلجوقی، مهم‌ترین پوشش سر پادشاهان سلجوقی و غزنوی تاج با تزییناتی از جواهرات بود.



■ کاخ دلمه باغچه در استانبول، در بنای این کاخ که محل اقامت آخرین سلاطین عثمانی بوده، ۱۴ تن ورقه طلا به کار رفته است.

غلبه قدرت‌هایی مانند سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان و عثمانی که در چارچوب فرهنگ قومی و قبیله‌ای رفتار می‌کردند نیز مانع می‌شد تا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اجتماعی آن به طور کامل آشکار شود.

اسلام، مواریث و آداب بی‌زیان اقوام مختلف را تحمل کرد، همه را به هم درآمیخت و از آن چیز تازه‌ای ساخت؛ فرهنگ تازه‌ای که حدود و ثغور نمی‌شناخت و تنگ‌نظری‌هایی که دنیای سرمایه‌داری را به ملت‌ها، مرزها و نژادها تقسیم می‌کرد در آن مجهول بود. مسلمان از هر نژاد که بود، عرب یا ترک، سندی یا افریقایی، در هر جایی از قلمرو اسلام قدم می‌نهاد، خود را در وطن و دیار خویش می‌یافت. همه جا، در مسجد، در مدرسه، در خانقاه، در بیمارستان از هر قوم مسلمان نشانی بود و یادگاری، اما بین مسلمانان نه اختلاف جنسیت مطرح بود نه اختلاف تابعیت. همه جا یک دین بود و یک فرهنگ؛ فرهنگ اسلامی که فی‌المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی و ... اما دل و جانش اسلامی بود و انسانی. پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت؛ مدینه، دمشق، بغداد، ری، نیشابور، قاهره، قرطبه، غرناطه، قونیه، قسطنطنیه، کابل، لاهور و دهلی. زادگاه آن هم همه جا بود و هیچ جا. در هر جا از آن نشانی بود و در هیچ جا رنگ خاصی بر آن قاهر نبود. اسلامی بود، نه شرقی و نه غربی. با این همه، رشد و نمو آن در طی مدت سه - چهار قرن متوالی چنان سریع بود که فقط به یک معجزه شگرف می‌مانست.

(عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام)

تحقیق کنید

در کتاب جامعه‌شناسی (۱) با ارزش‌های اجتماعی اسلام آشنا شدید. کدام یک از این ارزش‌ها با حاکمیت‌های قومی - قبیله‌ای نادیده گرفته می‌شد؛ درباره‌ی نادیده انگاشتن ارزش‌های اجتماعی چون اخوت اسلامی، عدالت، ضابطه‌گرایی (در مقابل رابطه‌گرایی) و... تحقیق کنید.

استعمار و بیداری اسلامی

در درس گذشته با استعمار غربی و صورت‌های مختلف آن آشنا شدید. فرهنگ اسلامی و استعمار غربی چگونه با هم مواجه شدند؟ استعمار غربی چه تأثیری بر فرهنگ اسلامی گذاشت و فرهنگ اسلامی با استعمار غربی چه برخوردی داشت؟



■ گسترش اسلام در کشورهای غربی

دوره استعمار: دولت‌های استعماری غربی، بخش‌های مختلف جوامع اسلامی را تحت نفوذ و سلطه سیاسی خود درآوردند و با تکیه بر قدرت نظامی و صنعتی خویش، بیشتر سیاستمداران و دولتمردان جوامع اسلامی را مغلوب ساختند.

قدرت سیاسی جوامع اسلامی که تا قبل از استعمار، بیشتر قومی و قبیله‌ای بود، در دوران استعمار، از طریق سازش با دولت‌های غربی، با قدرت استعمارگران پیوند خورد و استبداد ایلی و قومی به صورت استبداد استعماری درآمد.

تفاوت راهبردی استبداد قومی با استبداد استعماری این است که استبداد قومی با وجود اینکه دارای هویتی غیراسلامی بود به دلیل اینکه پشتوانه و پیشینه‌ای خارج از جهان اسلام نداشت، از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌کرد و می‌کوشید با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ کند. در مقابل، استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایه قدرت و سلطه جهان غرب عمل می‌کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.



■ به دنبال تصویب قانونی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ هـ. ش، استفاده از چادر، روبنده و روسری برای زنان و دختران ایرانی ممنوع شد.



■ تکیه دولت؛ بنایی که برای برگزاری مراسم محرم و صفر و اجرای عزیه به فرمان ناصرالدین شاه در تهران برپا شد.

عصر بیداری اسلامی: در جهان اسلام، در مقابل نفوذ و سلطه فرهنگ غرب، مقاومت‌هایی شکل گرفت که ریشه در فرهنگ اسلامی داشت. متفکران جهان اسلام، خطرات سلطه فرهنگ غرب و فراموشی فرهنگ و هویت اسلامی را گوشزد کردند.



■ سید جمال‌الدین اسدآبادی، امام موسی صدر، شیخ ابراهیم زاکزاک

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطفی در بازگشت به فرهنگ اسلامی در جهان اسلام است. بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطه

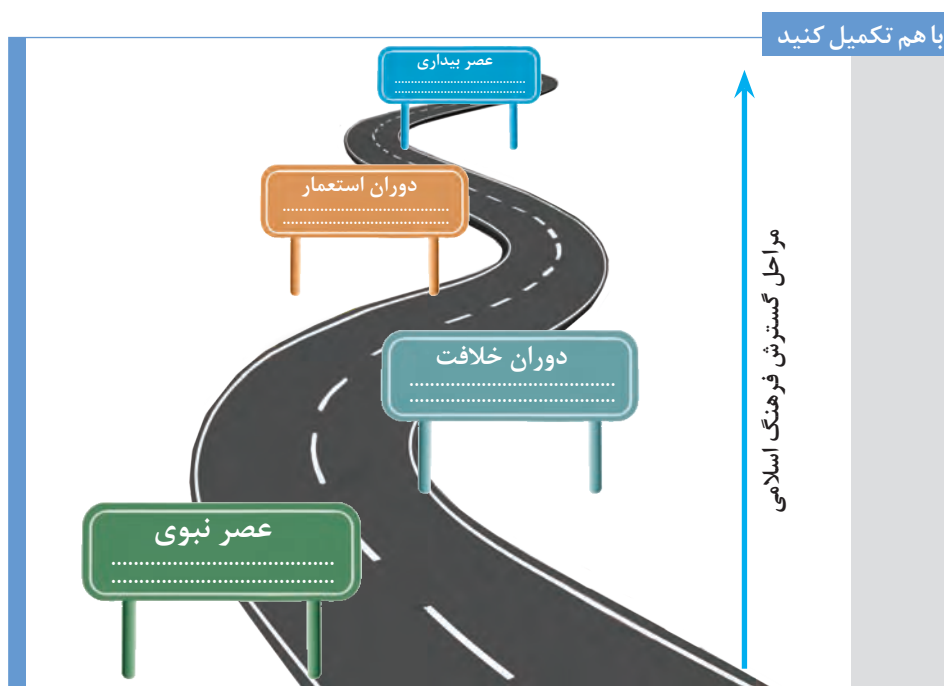
استعمار، از مکاتب و روش‌های غربی مانند ناسیونالیسم^۱ (ملّی‌گرایی) یا مارکسیسم^۲ استفاده می‌کردند. این مکاتب علاوه بر اینکه وحدت امت اسلامی را مخدوش می‌کردند، مورد حمایت مردمی که در دامن فرهنگ اسلام تربیت یافته بودند نیز قرار نمی‌گرفتند. امت اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت الهی خود، مرحله جدیدی را در گسترش فرهنگ جهانی اسلام آغاز کرده است.

ببینیم و بدانیم

فیلم‌هایی مانند محمد رسول الله ﷺ، عمر مختار، سربداران و معرف دوره‌ای از دوره‌های گسترش فرهنگ اسلامی است. با دیدن این فیلم‌ها و مقایسه آنها تا حدودی با مراحل مختلف گسترش فرهنگ اسلامی آشنا می‌شوید.

تحقیق کنید

درباره تأثیرات صدسال اخیر ناسیونالیسم در جهان اسلام تحقیق کنید.



۱- مجموعه‌ای از باورها و نمادها که دلبستگی و تعلق به ملت، سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر و وابستگی به چنین عناصری را آرمان اساسی انسان‌ها و تعیین‌کننده هویت ملت‌ها می‌داند.

۲- تفکری برگرفته از اندیشه‌های مارکس است که انقلاب طبقاتی (انقلاب کارگران علیه سرمایه‌داران) را تنها راه‌رایی از چنگال نظام سرمایه‌داری و مشکلات آن می‌داند.

مفاهیم اساسی

عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام

خلاصه کنید

—دین اسلام عقاید و ارزش‌های جهان شمول دارد.

آنچه از این درس آموختیم

